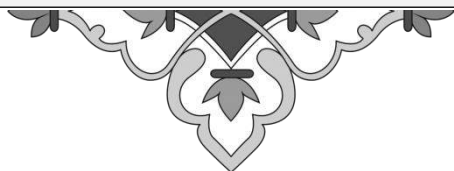




درسنامه

تفسیر قرآن (ارشد)



تلخیص، تنظیم و تسهیل
سور منتخب از تفاسیر المیزان و مجمع البیان

ویژه آزمون‌های کارشناسی ارشد
رشته علوم قرآن و حدیث

چاپ اول؛ مهر ۹۷



بسته‌های آموزشی حافظون
ویژه کلیه دروس رشته‌های الهیات

درسنامه تفسیر قرآن (ارشد)

تلخیص، تنظیم و تسهیل

سور منتخب از تفاسیر المیزان و مجمع البیان

ویژه آزمون‌های کارشناسی ارشد

چاپ اول، مهر ۹۷

مؤلف: رسول محمدزاده

همکار: کاظم خواجه‌جوی

ناشر: موسسه قرآنی حافظون

تماس با ما	مؤسسه
شماره ثابت	۰۲۱۳۳۴۴۲۰۰۵
شماره همراه	۰۹۱۹۸۰۰۰۹۷۰
سایت	www.haafezoon.com
ایمیل	haafezoon@gmail.com
سامانه دریافت پیامک	۰۲۱۳۳۴۴۲۰۰۵
فیس بوک	haafezoon
اینستاگرام	Haafezoon#

جهت دریافت لینک کانال تلگرام موسسه حافظون
عدد ۷ را به سامانه ۰۲۱۳۳۴۴۲۰۰۵ ارسال نمایید.

مقدمه اول: معرفی مجموعه قرآنی حافظون

حافظون یک مؤسسه علمی قرآنی است که خدمات تخصصی دانشگاهی و دینی ارائه می‌دهد. اهم فعالیت‌های حافظون عبارتند از:

۱- دبستان قرآنی آیات

دبستان قرآنی آیات با رویکرد کلی تربیت قرآنی از سال ۹۵ در منطقه ۱۲ شهر تهران شروع به فعالیت نمود و در همان اولین سال فعالیت با استقبال کم نظیر خانواده ها و دانش‌آموزان مقطع ابتدایی مواجه گردید. تولید و اجرای محتوای عمیق دینی، محیط شاد و جذاب، تأکید و توجه به اکثریت ممکن ساحت‌های رشد، آموزش دو زبان انگلیسی (در حد مکالمه) و عربی (در حد فهم متون دینی)، آموزش آکادمیک ورزش‌های مادر (ژیمناستیک و شنا)، بهره‌گیری از شیوه‌های نوین آموزش و دارا بودن محیط کاملاً یک‌دست دینی از ویژگیهای این دبستان است.

لازم به ذکر است مدل تعلیم و تربیت قرآن محور تولید شده توسط تیم پژوهشی دبستان آیات، توسط معلمان و مدارس زیادی در سطح کشور مورد استقبال و بهره‌برداری قرار گرفته است.

۲- پیش دبستان قرآنی آیات

پیش دبستان آیات (حافظون) نیز با دارا بودن دو شعبه در سطح تهران، رویکردی متفاوت در زمینه‌ی آماده‌سازی نوآموزان برای ورود به دبستان دارد. فعالیت‌های آموزشی پیش‌دبستان آیات، به جای تمرکز بر آموزه‌های اطلاعات محور، بر روی مهارت‌های ماندگار ذهنی متمرکز شده است. بخشی از این مهارت‌ها عبارتند از: دقت و تمرکز، سرعت واکنش، حل مسأله، حافظه کوتاه مدت و دراز مدت، مهارت‌های اجتماعی، آموزش آداب، مهارت شنیدن و فهم کلام مربی، مهارت فهم، حفظ و عمل به آیات موضوعی و....

۳- آموزشگاه کنکور تحصیلات تکمیلی ارشد و دکتری کلیه گرایش‌های الهیات

قدیمی‌ترین فعالیت مجموعه آموزشی حافظون، که موجب گردیده مؤمنین فرهیخته در سرتاسر کشور با حافظون آشنا شوند، خدمات حافظون در زمینه کنکور کارشناسی ارشد و دکتری گرایش‌های الهیات است. اکنون بعد از حدود یک دهه فعالیت می‌توانیم با اطمینان مدعی شویم که حافظون، کاملترین، به روزترین و مفیدترین خدمات در زمینه تحصیلات تکمیلی الهیات در سطح کشور را به علاقه‌مندان این رشته‌ها ارائه می‌دهد. تنوع خدمات، تنوع رشته‌ها، محصولات به روز، آموزش مجازی در منزل و... تنها بخشی از این ویژگی‌هاست.

۱. دوره‌های آمادگی کنکور

کلاسهای آمادگی کنکور ارشد و دکتری حافظون پر طرفدارترین کلاس‌های کنکور در سطح کشور است. تا کنون بالغ بر ۴۰ دوره‌ی کنکور ارشد و دکتری الهیات توسط حافظون برگزار گردیده است. این کلاسها در سه گرایش قرآن و حدیث، فقه و مبانی



حقوق و فلسفه و حکمت اسلامی و در سه مقطع کارشناسی (ویژه حفاظ قرآن)، ارشد و دکتری برگزار می‌گردد. همه ساله بسیاری از رتبه‌های تک رقیمی کنکور از خروجی‌های این کلاس‌ها هستند.

۲. بسته‌های آموزشی

درسنامه‌ها و تست‌نامه‌های حافظون در سرتاسر کشور و در دانشگاه به دانشگاه کشور بین دانشجویان و داوطلبان دست به دست می‌شود. با اطمینان می‌توان مدعی شد در سه رشته فوق‌الذکر و در دروس عمومی مثل ادبیات عرب و زبان انگلیسی، برای کسب بالاترین رتبه‌ها کاملاً کافی و وافی نیز می‌باشد. به روز رسانی سالانه و انطباق بر کنکور هر سال، اشمال بر همه سؤالات کنکورها، طبقه بندی موضوعی و پاسخنامه کاملاً تشریحی تست‌نامه‌ها، تلخیص‌های حساب‌شده در حدود یک پنجم منابع اصلی، مطالب توضیحی بیشتر جهت تفهیم بهتر، محتوای طبقه‌بندی شده‌ی منسجم، حذف زوائد غیرکاربردی و... تنها بخشی از دلایلی است که موجب گردیده است حافظون تنها گزینه داوطلبان در کنکور باشد.

۳. آموزش مجازی

در طول این سالها که کلاس‌های حافظون دایر بوده است، مطالبه‌ی مکرر داوطلبان شهرستانی موجب می‌شد که از بخشی از کلاسها صوت یا فیلم تهیه شده و برایشان ارسال گردد. این مطالبه به مرور ما را بر آن داشت که به سمت تولید محتوای دیجیتال رفته و نرم افزارهایی بسیار با کیفیت از برجسته‌ترین اساتید رشته الهیات تهیه شده و جهت نشر در سرتاسر کشور آماده ارائه به مشتاقان این رشته‌ها می‌باشد. دو ویژگی مهم نرم افزارهای حافظون عبارت است از: امکان شنیدن و دیدن درس استاد به دفعات مکرر، بهره‌گیری از بهترین اساتید کشور.

۴. آزمون‌های هفتگی، ماهانه و جامع

برای داوطلبی که در حال آماده شدن برای کنکور می‌باشد، برنامه‌ریزی و آزمون‌های دائمی که مدام او را رصد کند، مطالعاتش را جهت دهد، اشکالاتش را به او گوشزد نماید، بسیار ضروری و حیاتی به نظر می‌رسد. آزمون‌های هفتگی و دوره‌ای حافظون، به داوطلبان کمک می‌کند که هم به یک برنامه ریزی درست تری دست پیدا کنند و بتوانند به اندازه کافی درس‌ها را مرور نمایند و هم مدام در شرایط آزمون قرار گرفته و با تست‌زنی و تنظیم وقت و دیگر شرایط خو بگیرند.

۵. دوره‌های آزاد

حافظون علاوه بر دوره‌های آمادگی کنکور، کلاس‌های آزاد و کارگاه‌هایی با عناوینی مانند روش تحقیق، مقاله نویسی، آمادگی مصاحبه، متن خوانی عربی، تجزیه و ترکیب قرآن، تفسیر و... نیز برگزار می‌نماید.

۶. دوره‌های زبان

○ عربی

کامل‌ترین دوره آموزش زبان عربی از مقدماتی تا آمادگی کنکور دکتری؛ شامل صرف و نحو، مکالمه، بلاغت، لغت، اعراب القرآن و...

○ انگلیسی

دوره‌ها و بسته‌های ویژه کنکور ارشد و دکتری کلیه رشته‌های دانشگاهی، از مقدماتی تا پیشرفته.

و همچنین زبان تخصصی الهیات

○ زبان کودک

آموزش نظام‌مند زبان‌های انگلیسی و عربی (زبان قرآن) از مهد تا دوره راهنمایی

۴- پژوهشکده قرآن و حدیث

در این مرکز طرح پژوهشی متنوعی که مستقیماً با امر آموزش و پرورش ارتباط دارد ارائه شده است که برخی از آنها تکمیل شده و به عنوان کتاب یا بسته‌های آموزشی منتشر یافته است (مانند حاشیه قرآن کریم تحت عنوان فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام) و برخی دیگر در حال انجام است (مانند طرح «صراط مستقیم در فهم قرآن» که رویکردی کاملاً جدید در آموزش قرآن و زبان عربی است. یا «سبک زندگی قرآنی» و دیگر طرح‌های آموزشی).

مقدمه مؤلف

تفسیر قرآن یکی از اصلی‌ترین علوم اسلامی و دروس دانشگاهی رشته علوم قرآن و حدیث است که متأسفانه تا سال ۸۸ در کنکور سراسری بخشی از درس علوم قرآنی محسوب می‌شد. به همین دلیل داوطلبان با توجه به حجم زیاد و ثقل محتوای منابع تعیین شده، اهمیت چندانی به مطالعه منابع این درس در کنکور نمی‌دادند. تا اینکه خوشبختانه از سال ۸۹ تفسیر قرآن به عنوان یک درس مستقل با ضریب ۳ در کنکور مطرح شد.

از آن پس بسیاری از داوطلبان جدی کنکور، به صرافت افتادند که با مطالعه‌ی کامل منابع، درصدها و نمرات خوبی را در کنکور احراز نمایند. لذا به سراغ منابع فارسی یعنی ترجمه تفسیر شریف مجمع البیان و همچنین تفسیر ارزشمند المیزان رفتند. ولی این کار چند اشکال اساسی داشت:

اولاً: مطالعه ۲۳۰۰ صفحه تفسیر، کار چندان ساده‌ای نبود. و چه بسی زمان مورد نیاز برای روخوانی و فهم ابتدایی از این صفحات، بیشتر از فرصتی بود که داوطلبان برای مطالعه کل دروس کنکور داشتند. ثانیاً: بسیاری از تست‌ها به گونه‌ای بود که بدون مطالعه منبع اصلی به زبان عربی نمی‌توانستند به آنها پاسخ صحیح دهند. ثالثاً: از همه مهمتر طبقه بندی مطالب در ذهن بود که معمولاً با مطالعه ترتیبی دو تفسیر، صورت نمی‌گرفت و داوطلبان پس از مطالعه آنها، مطالبشان را با یکدیگر آمیخته و قادر نبودند نظر نهایی مفسر را به خاطر بسپارند. لذا بعضی دیگر از داوطلبان چاره‌ای دیگر اندیشیدند و آن مطالعه متن عربی تفسیر مجمع البیان و کنار گذاشتن تفسیر المیزان بود. چرا که هم اکثریت تستها از تفسیر مجمع البیان می‌آمد و هم اینکه متن تفسیر المیزان چندان برایشان ساده نبود. اما این کار نیز راه مناسبی نبود چرا که:

اولاً: مطالعه ۷۰۰ صفحه متن عربی به مراتب سنگین‌تر از مطالعه ۲۳۰۰ صفحه فارسی بود. ثانیاً: سال به سال از تعداد تست‌های تفسیر مجمع البیان کاسته و به تست‌های المیزان افزوده می‌شد. علی‌ای حال هیچیک از راه‌هایی که داوطلبان می‌پیمودند نمی‌توانست این ۴ هزار صفحه تفسیر عربی و ترجمه فارسی را پوشش دهد و خلأ یک کاتالیزور و ساده ساز در این درس به شدت احساس می‌شد. تا اینکه یکی از مراکز مهم کلاس‌های کنکور الهیات از اینجانب که مدرس دروس ارشد بودم درخواست نمود که کلیه منابع کنکور کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث را تلخیص نمایم. بنده نیز فرصت را مغتنم شمرده و تلاش نمودم که تمام آنچه به عنوان نیاز جدی این درس در کنکور وجود داشت را در قالب یک جزوه حدوداً ۳۰۰ صفحه‌ای برآورده نمایم.

خوشبختانه با تلاشی حدوداً هزار ساعته، آن جزوه مهیا شد و از سال ۸۹ مورد استفاده و استقبال داوطلبان عزیز قرار گرفت. اما دیری نپایید که رویه سوالات درس تفسیر، مجدداً دستخوش تغییراتی بنیادین شد. و منبع اصلی از تفسیر مجمع البیان به



تفسیر المیزان تغییر یافت. و به مرور طراحان محترم به سراغ جزئیات این تفسیر فخیم رفته و اکثر سوالاتشان را از این منبع طراحی نمودند. به طوری که در کنکور سال ۹۲ از ۲۰ تست درس تفسیر حدود ۱۴ تای آنها از تفسیر المیزان بود. لذا مجدداً در صدد تألیف جزوه دیگری برآمدیم. این بار ساختار جزوه بر اساس المیزان طراحی شد و نکات مجمع البیان به حاشیه رفت. (بر عکس جزوه قبل) این کار نیز حدود هزار و پانصد ساعت به طول انجامید. پس از آن نیز جهت اطمینان از کامل بودن جزوه، از جناب آقای کاظم خواجوی درخواست نمودم که یک بار دیگر متن تفسیر المیزان را بدقت مطالعه نموده و آنچه ممکن است از جزوه افتاده باشد را به آن اضافه نمایند که الحق ایشان نیز با صرف بیش از هزار ساعت وقت، به خوبی از پس این کار برآمدند. لذا آنچه در پیش روی دارد محصول یک تجربه اولیه و حدود ۲۵۰۰ ساعت وقت و مطالعه و فیش برداری است.

ویژگیهای جزوه حاضر:

۱. این جزوه شامل تستهای طبقه بندی شده کنکورهای دوازده سال اخیر می باشد که تا کنون نمونه ای در سطح کشور ندارد.
۲. تست ها و مطالب جزوه همه ساله بر اساس کنکور سال قبل تکمیل و ویرایش می گردد.
۳. در بخش تاریخ تفسیر، سعی شده که مباحث دو کتاب «تاریخ تفسیر» جلالیان و «تفسیر و مفسران» آیت الله معرفت با محوریت کتاب تاریخ تفسیر جلالیان تلفیق، تلخیص و دسته بندی گردد.
۴. نظرات هر دو مفسر ذیل هر آیه ذکر شده است و بدین ترتیب امکان مقایسه و به حافظه سپردن آراء هر دو مفسر در کنار هم فراهم می گردد و از تشنّت و به هم ریختگی ذهن جلوگیری می کند.
۵. مباحثی چون «القراءة» و «الحجه» در تفسیر مجمع البیان و «بحث روائی» یا «بحث فلسفی» در تفسیر المیزان که تا کنون در هیچ کنکوری از آنها سوال نیامده، به طور کامل حذف گردیده است.
۶. نظرات مشترک هر دو مفسر یک بار ذکر شده و در آخر داخل پراکنش نام مفسر دیگر آمده است. بدین ترتیب خواننده متوجه می شود که هر دو مفسر یک نظر دارند و ضمناً از اطاله کلام نیز جلوگیری می شود.
۷. این جزوه هر ساله با پیشنهادهای داوطلبان سال گذشته و بر اساس آخرین کنکور برگزار شده، ویرایش جدید می گردد و سوالات همان سال نیز به انتهای آن اضافه می شود. به همین دلیل همواره به روز ترین بسته آموزشی در رشته الهیات در سطح کشور است.

نکاتی که پیش از شروع مطالعه جزوه باید به آنها توجه نمایید:

۱. هر چند به دلیل حفظ امانت در نقل، نظرات مرجوح را نیز در جزوه ذکر نموده ایم، لکن آنچه در کنکور مورد توجه است، فقط و فقط نظرات راجح صاحبان تفسیر (طبرسی و علامه طباطبایی) است. لذا توصیه می شود فقط نظرات راجح این دو مفسر را به خاطر بسپارید
۲. هر چند بخش «اعراب» نیز در ابتدای هر آیه ذکر شده است، ولی معمولاً مورد توجه طراحان محترم نبوده و سوالات چندانی تا کنون از این بخش مشاهده نشده است.
۳. هر چند در بخش لغت بعضاً برای فهم بهتر خواننده توضیحات اضافی آورده ایم ولی آنچه اهمیت بالایی دارد، معنی خود واژه به کار رفته در آیه آن هم به زبان عربی است. لذا توصیه می کنیم وقت خود را صرف حواشی لغت ننمایید.
۴. بهتر است در یک جزوه مستقل (یا در همین جزوه) نکات مهم هر کلمه را ذیل آن بنویسید. برای این کار توصیه می شود یک جزوه که فقط شامل آیات سور کنکور باشد با فاصله خطوط زیاد تهیه و چاپ نمایید و نکات مهم را در آن اضافه نمایید. این کار به شما کمک می کند تا بتوانید با یک نگاه، عصاره جزوه را بفهمید

۵. توصیه می‌کنیم قبل از شروع به مطالعه هر سوره، حتماً تست‌های آنرا به دقت بررسی نموده و تلاش نمایید بدون خواندن درس به آنها پاسخ دهید. این کار به شما کمک می‌کند به ذائقه طراحان کنکور نزدیک‌تر شده و با همان رویکرد به مطالعه درس بپردازید

جدول

جدول زیر شمایی کلی از منابع این درس، جزوه حاضر و همچنین سوالات کنکورهای ۱۰ سال گذشته است.

- چهار ستون اول تعداد صفحات هر سوره در هر یک از منابع فارسی و عربی را نشان می‌دهد که در ستون پنجم مجموع آنها نگاشته شده است
- ستون ششم تعداد صفحات هر سوره در جزوه حاضر را نشان می‌دهد.
- در ستون هفت و هشت نسبت تعداد صفحات جزوه به منابع اصلی شان را تعیین کرده‌ایم که نشان می‌دهد جزوه حاضر ۱۶ درصد تفسیر فارسی و ۳۰ درصد متن عربی آن است.
- در ستون نهم تعداد تستهای هر سوره در کنکورهای ده سال گذشته بیان گردیده است
- و در ستون دهم عددی تعریف کرده ایم بنام «ضریب اهمیت». این عدد حاصل تقسیم تعداد تست کنکور هر سوره بر تعداد صفحات آن سوره در جزوه است که نشان دهنده اهمیت هر سوره نسبت به صفحاتش در کنکور سراسری است. این ضریب به ما می‌گوید کدام درس‌ها از اولویت بیشتری برخوردارند. خصوصاً زمانی که مجبوریم مطالعه بعضی از بخش‌ها را کنار بگذاریم.
- و ستون آخر (یازدهم) نیز تخمین می‌زند که احتمالاً اگر کنکور سراسری سال آینده بنا باشد بر اساس روند ده سال گذشته باشد، از هر سوره چه میزان سوال در کنکور خواهد آمد.

سوره	مجموع	ترجمه مجمع	المیزان	ترجمه المیزان	فارسی و عربی مجموع صفحات	صفحات جزوه	تلخیص از فارسی	تلخیص از عربی	تست دولتی	ضریب اهمیت	تخمین کنکور
بقره	۲۱۷	۲۲۷	۱۸۹	۲۸۱	۹۱۴	۵۹	۰.۱۲	۰.۱۵	۱۰	۰.۱۷	۳.۴
اسرا	۸۲	۱۴۸	۲۳۱	۳۲۳	۷۸۴	۵۴	۰.۱۱	۰.۱۷	۱۵	۰.۲۸	۲.۱
انبیاء	۴۶	۷۹	۸۸	۱۲۷	۳۴۰	۳۶	۰.۱۷	۰.۲۷	۱۵	۰.۴۲	۲.۱
حج	۴۰	۸۰	۷۲	۱۰۵	۲۹۷	۳۷	۰.۲۰	۰.۳۳	۲۷	۰.۷۳	۲.۱
مومنون	۳۷	۶۴	۶۸	۱۰۲	۲۷۱	۳۴	۰.۲۰	۰.۳۲	۱۴	۰.۴۱	۲.۰
یس	۳۰	۷۹	۵۴	۸۳	۲۴۶	۲۹	۰.۱۸	۰.۳۵	۱۱	۰.۳۸	۱.۷
حجرات	۱۷	۴۵	۲۸	۴۲	۱۳۲	۱۲	۰.۱۴	۰.۲۷	۹	۰.۷۵	۰.۷
واقعه	۲۲	۶۲	۲۹	۵۶	۱۶۹	۱۸	۰.۱۵	۰.۳۵	۱۲	۰.۶۷	۱.۰
جمعه	۱۰	۲۹	۱۳	۲۵	۷۷	۸	۰.۱۵	۰.۳۵	۱۱	۱.۳۸	۰.۵
انسان	۱۴	۴۶	۲۵	۴۰	۱۲۵	۱۱	۰.۱۳	۰.۲۸	۴	۰.۳۶	۰.۶
طارق	۴	۱۶	۶	۱۱	۳۷	۴	۰.۱۵	۰.۴۰	۵	۱.۲۵	۰.۲
اعلی	۷	۱۸	۹	۱۷	۵۱	۶	۰.۱۷	۰.۳۸	۳	۰.۵۰	۰.۳
تاریخ تفسیر					۲۳۵	۴۱	۰.۱۷	۰.۱۷	۴۶	۱.۱۲	۲.۴
جمع (میانگین)	۷۶۱	۱۱۲۸	۸۱۲	۱۲۱۲	۳۹۱۳	۳۴۹	۰.۱۶	۰.۳۰	۱۸۲	۰.۵۲	۲.۰



امید است داوطلبان عزیز از این مجموعه بهره کامل را برده و بتوانند مدارج علمی را یکی پس از دیگری طی نموده و برای اسلام عزیز مثمر ثمر باشند که غایت اینگونه تحصیلات نیز همین تعلیم و تعلم و تهذیب و تزکیه معنوی است و إلا خود این علوم بدون عمل حجاب بزرگتری خواهد شد در راه تکامل معنوی انسان!

رسول محمدزاده

فهرست مطالب

۱۳.....	بخش اول: تاریخ تفسیر.....
۱۴.....	درس ۱. معانی تفسیر، تأویل و ترجمه.....
۲۰.....	درس ۲. تفسیر در عصر پیامبر (ص) و صحابه.....
۲۳.....	درس ۳. تفسیر در عصر تابعین.....
۲۹.....	درس ۴. تفسیر در عصر تدوین.....
۳۱.....	درس ۵. تفسیر به مأثور.....
۳۹.....	درس ۶. تفسیر اجتهادی.....
۴۶.....	درس ۷. تفسیر در مکتب معتزله.....
۴۹.....	درس ۸. تفسیر نزد شیعه امامیه.....
۵۶.....	درس ۹. تفسیر خوارج.....
۵۸.....	درس ۱۰. تفسیر علمی.....
۶۰.....	درس ۱۱. خلاصه کنکوری نام تفاسیر.....
۷۵.....	بخش دوم: تفسیر سوره‌ها.....
۷۷.....	درس ۱. تفسیر سوره مبارکه بقره.....
۱۳۰.....	درس ۲. تفسیر سوره مبارکه اسراء.....
۱۸۵.....	درس ۳. تفسیر سوره مبارکه انبیاء.....
۲۲۳.....	درس ۴. تفسیر سوره مبارکه حج.....
۲۵۸.....	درس ۵. تفسیر سوره مبارکه مؤمنون.....
۲۹۳.....	درس ۶. تفسیر سوره مبارکه یس.....
۳۲۱.....	درس ۷. تفسیر سوره مبارکه حجرات.....
۳۳۲.....	درس ۸. تفسیر سوره مبارکه واقعه.....
۳۵۰.....	درس ۹. تفسیر سوره مبارکه جمعه.....
۳۵۶.....	درس ۱۰. تفسیر سوره مبارکه انسان.....
۳۶۶.....	درس ۱۱. تفسیر سوره مبارکه طارق.....
۳۷۰.....	درس ۱۲. تفسیر سوره مبارکه اعلی.....

بیان اینکه این اسراء و نشان دادن نشانه‌ها از ساحت عظیم و کبریایی و موطن عزت و جبروت حق تعالی صادر شده و خداوند با آیات کبرای خود تجلی پیدا کرده؛ اگر این مفهوم با صیغه غیبت گفته می‌شد، این نکته حاصل نمی‌شد.

مع
شان
نزول

درباره معراج پیامبر (ص) از مکه (خانه هُبَیْرَة ابن ابی وهب شوهر ام هانی «خواهر علی (ع)») به مسجد الاقصی است که از بعد از نماز مغرب و عشاء شروع و قبل از نماز صبح بازگشتند و نماز صبح را در مسجد الحرام خواندند. این سفر رؤیا و خواب و روحانی نبوده بلکه واقعاً وجود پیامبر (ص) شبانه این سفر را داشته‌اند. کلمه تسبیح اصولاً برای تنزیه و پاک ساختن خداوند است؛ ولی گاه برای تعجب هم بکار می‌رود؛ چون تعجب سبب می‌شود انسان ناخود آگاه تسبیح کند و وقتی انسان بعد از يك تعجب، تسبیح می‌کند در واقع مسبب را به جای سبب آورده است. تعجب (سبب) ← تسبیح (مسبب)

بنابراین سَبَّح = عَجَّب

زمان معراج: يك سال پیش از هجرت

سوال: مگر معراج پیامبر (ص) از خانه ام‌هانی شروع نشده است؟ پس چرا فرموده: «من المسجد الحرام»؟

ج: مقصود از مسجد الحرام، شهر مکه است.

سوال: چرا اطراف مسجد الاقصی را مبارک نامیده است؟ (الذی بارکنا حوله)

هم به دلیل دنیوی و مادی (گیاهان و میوه‌ها و فراوانی نعمت و همچنین امنیت)؛ و هم به دلایل اخروی و دینی (مقر پیامبران، محل نزول فرشتگان، دور از شرک و...)

خداوند چه آیتی را نشان پیامبر (ص) داد؟ خود معراج، دیدن انبیاء، رفتن يك شبه به مسجد الاقصی

(۲) وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا يَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكَيْلًا

و به موسی تورات را ارزانی داشتیم و آن را برای بنی اسرائیل مایه هدایت قرار دادیم با این پیام که: در امر دین و دنیا جز من کارسازی مگیرید که مرا در تدبیر جهان شریکی نیست.

اع

آ (آن + لا) تتخذوا من دونی وکیلا (۳ نوع ترکیب شده است):

(الف) آن ناصبه با داشتن کلمه «کراهنأ» در تقدیر که نقش مفعول له دارد: کراهنأ أن يتخذوا من دونی وکیلا

(ب) آن تفسیری (به معنی آی): آی لا تتخذوا (یعنی محتویات کتاب این بود که نگیرید غیر از من وکیلی؛ نهی آن‌ها از اینکه به خدا شرک بورزند)

توضیح: این «آن» بعد از کلماتی می‌آید که به معنی گفتن می‌باشد مانند «وحی شد، اشاره شد، تبیین شد و...» البته بعد از لفظ «قول»، «آن تفسیری» نمی‌آید. **(والمیزان)**

(ج) آن زانده و تقدیری داشته باشد مثل «قلنا»: (قلنا) لا تتخذوا

الم

کتاب: در زبان قرآن به «مجموعه شرایع واجب و اعتقادات» اطلاق شده است؛ لذا در این آیه، لفظ «تورات» را به کار نبرد تا به اشتغال آن بر شرایع واجب شده بر آنان اشاره داشته باشد؛ در نتیجه جمله «وَ جَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ» به منزله تفسیر برای فرستادن کتاب است.

«آن» در جمله أَلَّا يَتَّخِذُوا... تفسیری است و مابعد آن، مُحَصَّل همه آن معارفی است که کتاب هدایتشان مشتمل بر آن است.

← «أَلَّا يَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكَيْلًا» تفسیر جمله «وَ جَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ» خواهد بود، البته این در صورتی است که ضمیر او در جمله «لا تتخذوا» به بنی اسرائیل برگردد که ظاهر هم همین است.

مفهوم آیه: مجموعه معارف کتابشان، «نهی از شرک به خدا و وکیل گرفتن غیر او» است.

مرجوح: ضمیر به موسی و بنی اسرائیل هر دو برگردد ← أَلَّا يَتَّخِذُوا... تفسیر همه جملات قبل خواهد بود.

علت بیان این آیات با ضمیر متکلم مع‌الغیر: تعظیم

التفات از متکلم مع‌الغیر (و آتینا) به متکلم وحده (من دونی)؛ علت التفات:

چون ادامه دادن با همان سیاق مناسب معنی توحید که این عبارت متضمن آن است، نبود؛ به همین دلیل هنگامی که این



غرض برطرف شد، دوباره به سیاق قبلی (متکلم مع الغیر) برمی‌گردد؛ یعنی «حملنا مع نوح». علت اینکه وکیل گرفتن به غیر خدا شرک است این است که وکیل اصلاح شئون ضروری موکل خود و رفع حاجاتش را برعهده دارد.

(۳) ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا

آن کتاب هدایت را از آن روی به بنی اسرائیل دادیم که آنان از نسل کسانی بودند که با نوح بر آن کشتی سوارشان کردیم، و پیش تر وعده داده بودیم که همراهان نوح را با انواع برکت ها مدد می‌رسانیم، زیرا نوح بنده ای بسیار سپاسگزار بود. (!)

اع ذریه:

الف) مفعول دوم «لا تتخذوا» (نظر مجمع)

معنی این آیه با آیه قبل می‌شود: لا تتخذوا وکیلاً ذریه ...

مبه اول مبه دوم

یعنی ای بنی اسرائیل! ذریه نوح را به جای من خدا وکیل نگیرید.

ب) منادا باشد: یا ذریه من حملنا مع نوح...

ج) **المیزان**: من باب اختصاص است برای ضمیر او در لاتتخذوا (بنی اسرائیل). باب اختصاص، عنایت خاص متکلم را می‌رساند و به منزله تعلیل است.

← «ذریه من حملنا مع نوح» تعلیل است برای آیه قبل: عنایت خدا به آن‌ها از جهت وعده زیبایی بود که قبلاً هنگامی که اهل کشتی را از طوفان نجات داد، داده بود و فرمود: «يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلْمٍ مِنَّا وَ بَرَكَاتٍ عَلَيَّكَ وَ عَلَيَّ أُمَّمٍ مُّمَّنٍ مَّعَكَ» لذا انزال کتاب برای موسی (ع) و قرار دادن آن به عنوان هدایت بنی اسرائیل، انجام وعده نیکی بود که خدا قبلاً به پدران آن‌ها در کشتی داده بود.

الم

یعنی: ما برای موسی و بنی اسرائیل کتابی هادی نازل کردیم چرا که آن‌ها فرزندان همراهان نوح (در کشتی) بودند و ما به آن‌ها وعده سلامتی و برکات داده بودیم.

«إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا» تعلیل است برای «ذریه من حملنا مع نوح» ← یعنی: سنت هدایت و ارشاد و دعوت به توحید همان سنتی است که نوح اولین کسی بود که به آن عمل نمود و بدین وسیله نعمت خدا را شکر کرد و در عبودیت خالص بود لذا خداوند از او شکر گذاری کرد و سنت او را تا بقای دنیا پایدار کرد و در جهانیان بر او درود فرستاد و برای هر کلمه طیب و عمل صالح تا روز قیامت برای او ثواب در نظر گرفت (شکر حقیقی ملازم است با اخلاص در عبودیت که نوح آن را داشت و خدا به او پاداش داد). (صافات: ۷۷ تا ۸۰)

مخلص معنی دو آیه: ما نوح را به جهت اینکه بنده شکوری بود پاداش دادیم به اینکه دعوت او را پایدار کردیم و سنت و روشش را در فرزندان کسانی که همراه او در کشتی بودند جاری کردیم بنابراین بر موسی و بنی اسرائیل کتاب فرستادیم و آن را مایه هدایت آنان قرار دادیم.

از عبارت «ذریه من حملنا مع نوح» و «جعلنا ذریته هم الباقین» (صافات: ۷۷) مشخص می‌شود که مردم فرزندان پسری و دختری نوح (ع) هستند

مج

چرا نوح «عبد شکور» بود؟ به خاطر سپاسگزاری دائمی او از خدا «الحمد لله» صادقین (ع): قبل از غذا «بسم الله» و بعد از آن «الحمد لله» می‌گفت.

(۴) وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا

و در آن کتاب به بنی اسرائیل اعلام کردیم که قطعاً دو بار در سرزمین فلسطین فساد به پا خواهید کرد و هر بار به سرکشی بزرگی دست خواهید زد.

لغ

علو: الارتفاع (برتری)

قضاء: اخبرنا، اعلمنا

الم قضاء : (۱) گفتاری : الف) الهی (ب) بشری

(۲) عملی: الف) الهی (ب) بشری

این آیه قضاء از نوع گفتاری الهی است. این قضاء به اعلام و فیصله دادن با حکم است یعنی: به آن‌ها فهماندیم و وحی کردیم کلمه «علو» به معنای «ارتفاع» و در آیه مورد بحث «کنایه» است از «طغیان به ظلم و تعدی»، و شاهد آن عطف «علو» بر فساد شده، آن‌هم عطف تفسیری. کتاب: تورات

مج أرض: بیت المقدس (مجمع)

سرزمین فلسطین و اطراف آن (المیزان)

الکتاب ← لوح محفوظ

فساد: ستم، مال مردم خوری، پیغمبر کُشی، خونریزی

سوال: فساد اول و دوم بنی اسرائیل چه چیزهایی بوده است؟

فساد اول	به سبب آن دچار ... شدند	فساد دوم	به سبب آن دچار ... شدند
۱ قتل زکریا	«شاپور ذوالاکناف»	قتل یحیی	بخت النصر
۲ قتل شعیای نبی	بخت النصر	کشتن یحیی	حمله مردی از بابل
۳ حمله جالوت		حمله بخت النصر	

(۵) فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا

ما نیز هر دو بار از شما انتقام خواهیم گرفت. پس چون زمان تحقق وعده انتقام ما به سزای نخستین بار از آن دو سرکشی فرا رسد، بندگانی از خود را که سخت جنگاورند به سوی شما بسیج می کنیم. آنان در میان خانه های شما درمی آیند و شما را سرکوب می کنند، و این وعده ای انجام شدنی است.

لج جوس: التَّخَلُّلُ فِي الدِّيَارِ (گردش در خانه‌ها) جاسوا: طافوا

بعثنا عليكم: آنهاضناهم و أرسلناهم إليكم سلطنا عليكم

الم بؤس، بأس و بأساء: الشده و المكروه (سختی و امور ناخوشایند) با این تفاوت که بؤس بیشتر در «فقر و جنگ» و «بأس و

بأساء» بیشتر در «عذاب» استعمال می شود.

«فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا» تفریعی است بر جمله: «لتفسدن...»: فساد خواهید کرد... بار اول فسادتان...

وعد: وعده ای که خدا مبنی بر عقوبت و نعمت و انتقام به خاطر فسادشان به آن‌ها داده بود وعد: ← موعود (وقت رسیدن وعده)

آمدن وعد: کنایه از وقت انجام و اجرای آن

بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ: برمی انگیزیم و می فرستیم آن‌ها را تا شما را ذلیل کنند و از شما انتقام بگیرند.

دلیل اینکه «بعث» به منظور «انتقام و ذلیل کردن» بوده، جمله: «أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ...» است.

نکته: تعابیر «بعثنا» و «عبادا لنا»، دلالت بر «مؤمن بودن انتقام گیرندگان» ندارد. و بعث الهی از باب برانگیختن و وادار نمودن کفار برای قلع و قمع کردن از باب مجازات است.

اولهما: این ضمیر به مرتین برمی گردد. (یعنی وقتی وعده اول عذاب رسید،...)

و كان وعداً مفعولاً: تأکید بر حتمی بودن قضاء

۱. آن‌ها در مرتبه اول هم با قهر و غلبه وارد مسجد شدند و عدم ذکر آن در قبل، به جهت ایجاز است.
۲. داخل شدن آنان در مسجد برای هتک و تخریب بوده است.
۳. مهاجمینی که برای مجازات بنی اسرائیل برانگیخته شدند، در هر دو مرحله یک گروه بودند لیتبروا ما علواً تنبیراً (۲ احتمال دارد)
 ۱. ما موصوله: تا هلاک کنند هرکه را بر او مسلط شدند (بهتر)
 ۲. ما مصدریه ظرفیه (به معنی مُدّه): تا هلاک کنند در مدت زمان تسلط و برتریشان ایشان را (مجمع)

مخ

خطاب به بنی اسرائیل است.

اگر کسی بگوید خطاب به امت پیامبر (ص) است، این جمله معترضه شده (چون از سیاق خارج است).

سوال: چرا در جمله شرطیه «و این اَسْأَتُم فُلَهَا»، علیرغم اینکه در اینگونه موارد که صحبت از يك زبان منفی و چیز بدی است، معمولاً از حرف «علی» استفاده می‌کنند، ولی در اینجا از حرف «لام» استفاده شده است؟

ج - مجمع: فقط برای مقابله و مطابقت با جمله قبلی

ج - المیزان: (در قسمت مربوطه گفته شد)

منظور از «وجوه» چیست؟

۳. مجاز: جزء را گفت و اراده کل کرده و منظورش «خود شما بنی اسرائیل» است.

۴. منظور چهره های برجسته، سران، رؤسا و اکابر ایشان است.

منظور از مسجد در این آیه چیست؟ مسجد الاقصی؛ البته مقصود خود مسجد نیست، بلکه «شهر بیت المقدس» است. (مجاز: جزء را گفته و کل را اراده کرده) مثل «مسجد الحرام» که کنایه از «مکه» بکار می‌رود.

(۸) عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُذْتُمْ عَدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا

پس اگر بعد از آن توبه کنید و به اطاعت خدا بازآید، امید است پروردگارتان بر شما رحمت آورد و شما را نجات بخشد، و اگر دیگر بار به فساد و طغیان روی آورید ما نیز به عقوبت شما باز می‌گردیم، و بدانید که ما دوزخ را برای کافران تنگنایی قرار داده ایم که نتوانند از آن بگریزند.

لخ

حصیر: حبس و تضییق

عدتم (إلی الفساد) عَدْنَا (إلی العقاب)

الم

شرط رو کردن سه باره خدا: بازگشت و رو کردن مجدد شما به سوی خداست (عسی ربکم ...)

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ : التفات از متکلم مع الغیر به غایب (خداوند متکلم بوده، اینجا غایب می‌شود) ← علت : اشاره به اینکه اصلی که اقتضای ربوبیت خداست این است که به بندگانش رحم کند در صورتی که بندگان به مقتضای خلقتشان عمل کنند و در مسیر فطرتشان حرکت کنند ← اشاره به این نکته نیاز به ذکر وصف رب داشت لذا نیاز بود سیاق تغییر کند. بحث روایی:

از امام صادق (ع) روایت شده که در ذیل آیه " وَ قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ " فرمود: یکی کشته شدن امیر المؤمنین (ع) و یکی ضربت خوردن حسن بن علی (ع) است و در تفسیر " وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا " فرموده: مقصود کشتن حسین بن علی (ع) و در باره جمله: " فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا " فرمود: وقتی که حسین یاری شود " بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ " قبل از قیام قائم قومی برانگیخته شود که هیچ خونی از آل محمد را بی انتقام نگذارند و انتقام همه خونهای ریخته شده از اهل بیت را بگیرند " وَ كَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا " و این وعده‌ای است شدنی. المیزان: این روایات را نباید جزو روایاتی شمرد که آیه مورد بحث را تفسیر می‌کند بلکه تنها در مقام جری و تطبیق است.

(۹) إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

به راستی این قرآن به آیینی که از همه آیین‌ها استوارتر و جامع‌تر است هدایت می‌کند، و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند نوید می‌دهد که برای آنان پاداشی بزرگ خواهد بود،



اع

أَنْ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا: حذف حرف «باء» و منصوب به نزع خافض (بأن لهم...).

التی: صفت برای موصوف محذوف؛ تقدیر: للديانة التي...؛ للملة التي (الميزان)...؛ للطريقة التي...

الم

أقوم: متعادل ترین و نیکوترین شکل انجام کار؛ زیرا ایستادن (قیام) از متعادل ترین حالات انسان است که انسان مسلط به کار است؛ کنایه از خوب اداره کردن کارها (حسن التصدیة). این بدان دلیل است که این دین بر آنچه خیر دنیا و آخرت مردم است مسلط و چیره است و متصدی (قیم) اصلاح حال آنان در زندگی و معادشان است و این به جهت موافق بودنش با اقتضای فطرت انسانی و خلقت اوست و او را برای هدایت و سعادت تجهیز می کند.

← لفظ قائم تر یا در مقایسه با سایر دین ها و آیین هاست یا در مقایسه با شریعت های الهی سابق.

الصالحات: موصوفش حذف شده: الاعمال الصالحات

اجر: حقی برای مؤمنین که خدا برگردن خود گذاشته

بحث روایی:

یهدی للتی هی اقوم: یهدی الی الولاية؛ علامه: از قبیل جری و تطبیق است.

(۱۰) وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

و این که برای کسانی که به جهان آخرت ایمان ندارند عذابی دردناک آماده ساخته ایم.

لع

أعدنا: در اصل «أعدنا» بوده است و ابدال صورت گرفته. به معنی «آماده کردیم، ذخیره کردیم، تهیه کردیم» (الإعتاد: الإعداد)

الم

آیه عطف است به عبارت «أَنْ لَهُمْ...» در آیه قبل.

بشارت دادن مؤمنین به عذاب کافران است به این جهت که عذاب ایشان انتقامی است که خدا از دشمنان دین می گیرد و باعث روشنی دیدگان مؤمنین می شود.

کافر: الذین لا یؤمنون بالآخره:

انکار توحید و نبوت هم کفر است اما علت اکتفا به انکار آخرت این است که با انکار آخرت، دین قیم (که سیاق آیات است) از بین می رود؛ به همین جهت خدای تعالی فراموش کردن قیامت را ریشه تمامی گمراهی ها نامیده.

نکته: کسانی که ایمان آورده اند اما عمل صالح انجام نداده اند، اجری بر خدا ندارند بلکه کارشان منوط به توبه یا شفاعت است تا به گروه صالحان ملحق شوند (توبه ۱۰۲ و ۱۰۶)

(۱۱) وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا

و انسان همان گونه که خیر و نیکی را می طلبد و برای آن تلاش می کند شر و بدی را نیز می طلبد، چرا که او شتابزده است و بی آن که بیندیشد و خیر و شر خویش را بشناسد، شتابان در پی خواسته های نفسانی خود می رود. نکته: «یدع» همان «یدعو» است که در رسم الخط قرآن، «واو» افتاده؛ و این اسقاط «واو» بر طبق هیچ قاعده نحوی یا صرفی نیست.

الم

یدع: طلب می کند .

بالخیر و بالشّر: باء به جهت «صله» است

«ال» در «الانسان» جنس است؛ یعنی همه انسان ها، نه فقط کافر و مشرک.

دعا: در اینجا منظور «مطلق طلب» است، چه به صورت چه لفظ و چه به صورت سعی و عمل، چه دعا کننده معتقد به خدا باشد چه نباشد (نه دعای اصطلاحی).

منظور از خیر و شر، آنچه سعادت و شقاوت او در آن است به حسب حقیقت نه مطلق آنچه نفع می رساند یا ضرر می زند.

منظور از عجله: دوست داشتن انسان به اینکه آنچه هوس می کند به سرعت محقق شود نه لجاجت و درخواست عذاب

مفهوم: انسان همان طور شر را می طلبد که خیر را می خواهد. انسان هر چه بخواهد، بدون توجه به خیر و شر بودنش،